

## بررسی مقایسه‌ای نیازهای جسمانی، عاطفی، اجتماعی و مذهبی نوجوانان محروم براساس جنسیت\*

فریده حمیدی\*\*

**چکیده:** این مقاله در پی شناسایی نیازهای نوجوانان محروم از منظر خود نوجوانان برای برنامه‌ریزی و طراحی خدمات مناسب‌تر در اردوهای تابستانی برای گذران اوقات فراغت است. طرح کلی مقاله حاضر توصیفی است و داده‌های مقاله با استفاده از روش پیمایش به دست آمده است. جامعه آماری این پژوهش دختران و پسران دوره راهنمایی و تعدادی از دانش‌آموزان دبیرستانی استان‌های مناطق محروم (کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان، کرمانشاه، کرمان، ایلام، ...) هستند که در اردوهای بنیاد مستضعفان در چند اردوگاه شهر تهران شرکت کرده‌اند. برای تعیین نیازهای دانش‌آموزان شرکت‌کننده در اردوهای تابستانی از منظر خود ایشان، به وسیله پرسشنامه نیازهای جسمانی، عاطفی، اجتماعی و مذهبی ایشان پرسیده شد.

اولویت نیازهای دانش‌آموزان عبارت بودند از: رفتن به مدرسه، روابط گرم و صمیمی در بین اعضای خانواده، نیاز به اعتماد والدین، انجام فعالیت‌های ورزشی و جسمی، احترام به یکدیگر و رعایت حقوق متقابل در بین اعضای خانواده، استفاده والدین از تشویق در زمینه موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموز، توجه والدین به امر تغذیه و بهداشت نوجوان، نیاز به مورد قبول واقع شدن در بین اعضای خانواده، اهمیت دادن والدین به وضع تحصیلی دانش‌آموز، آگاهی از اصول بهداشتی، مشورت با والدین در انتخاب رشته تحصیلی، آشنایی نوجوان با قانونمندی و احترام به قانون و اجرای آن، احترام به قوانین در بازی‌ها یا ورزش‌ها و فعالیت‌های جمعی، نقش والدین در آموزش مسایل مربوط به بلوغ، آشنایی با قانون اساسی کشور، آشنایی دختران و پسران قبل از ازدواج.

آماره‌ها تفاوت‌های معنی‌داری را بین میانگین‌های ابعاد مختلف نیازها در بین گروه دختران و پسران به جز در مورد نیازهای فرهنگی و اجتماعی نشان می‌دهند و این تفاوت به معنای احساس ضرورت بیشتر این نیازها در میان دختران است.

**واژه‌های کلیدی:** نیاز، نیازسنجی، نیازهای جسمانی، نیازهای روانی، نیازهای تحصیلی، نیازهای اجتماعی، نیازهای مذهبی

## بیان مسأله

توجه به علایق و سرگرمی‌ها<sup>۱</sup>، و نحوه گذراندن اوقات فراغت<sup>۲</sup> در گروه‌های سنی مختلف و طبقات مختلف اجتماعی، و تأثیر آن در بهداشت روانی افراد، از مباحثی است که در سال‌های اخیر، تحقیقات متعددی را در روانشناسی موجب گشته است به طوری که مجلات تحقیقی از قبیل: مجله پژوهش اوقات فراغت<sup>۳</sup> و مجله علوم اوقات فراغت<sup>۴</sup> عمدتاً به گزارش تحقیقات در این زمینه می‌پردازند. یکی از زمینه‌هایی که برای بهتر شناختن خصوصیات نوجوانان راهگشا می‌باشد، شناخت نیازهای آنان در این سنین از سطوح تحول است. همان طور که هاروکس<sup>۵</sup> (۱۹۷۳: ۲۴۱) می‌گوید: «تنها وسایل زندگی، مدرسه و تغذیه نوجوانان را فراهم کردن برای ارضای آنها کافی نمی‌باشد، بلکه باید به علایق و نیازهای آنها نیز توجه نمود. هیز<sup>۶</sup> (۱۹۸۴) به نقل از اکبرزاده، (۱۳۷۶: ۱۲۵) از انسیتو پلی تکنیک ویرجینیا، در مقاله‌ای تحت عنوان «مشاوره در مورد اوقات فراغت و نقش اوقات فراغت در راهنمایی رشته تحصیلی» به بازنگری در مورد اوقات فراغت می‌پردازد و در عین حال خاطر نشان می‌سازد که چگونه این نگرش‌ها بر مشاوره در مورد اوقات فراغت تأثیر گذاشته است. هدف کلی این است که به فرد کمک شود تا بیشتر در فعالیت‌های هنگام فراغت شرکت نماید و از این طریق به رضایت خاطر و معنای بهتری از زندگی دست یابد. چنین هدفی ماوراء محدودیت‌های یک نظام می‌باشد، و لزوم همکاری و هماهنگی بین نظام‌های مختلف را پیشنهاد می‌نماید.

فعالیت‌های اردویی، با توجه به ساختار ویژه فضای اردوگاه، موقعیتی مناسب برای پر کردن اوقات فراغت نوجوانان و ارائه خدمات بهتر آموزشی و به ویژه پرورشی (روانشناختی، فرهنگی، ورزشی و ...) آنان می‌باشد که خوشبختانه بنیاد مستضعفان و محرومان با فراهم نمودن تسهیلات فرهنگی و فیزیکی مناسب در زمینه

1. Recreations

2. Leisure

3. Journal of Leisure Research

4. Leisure Science

5. Horrocks, J.

6. Hayes

فعالیت‌های اردویی برای نوجوانان مناطق محروم کشور، این امکان را فراهم کرده است تا قشر وسیعی از نوجوانان از این خدمات بهره‌مند گردند. هدف از برگزاری این اردوها "ایجاد فرح و نشاط در آنان"، "دوست‌یابی"، "آشنایی با فرهنگ‌های مختلف کشور"، "آشنایی با زندگی گروهی و اجتماعی"، "رشد اجتماعی"، "یادگیری نظم و انضباط اجتماعی"، "ایجاد حس تعاون و همکاری"، "مسئولیت‌پذیری"، "رشد مبانی عقیدتی"، "شکوفایی استعدادهای فردی"، "آبراز وجود منطقی"، "رشد اعتماد به نفس"، "کسب تجربه زندگی مستقل"، و "در نهایت حفظ سلامت جسم و روان" در دانش‌آموزان می‌باشد.

اهداف مذکور ابعاد مختلف نیازهای انسان است که در کارگاه‌های مختلف آموزشی (مهارت‌های زندگی، مهارت‌های اجتماعی و بین فردی، آموزش بهداشت بلوغ جسمی و جنسی و آزمایشگاه فیزیک و زیست و...)، فعالیت‌های هنری (کلاس‌های سفالگری، صنایع دستی، تهیه روزنامه دیواری و ...) و فعالیت‌های ورزشی (شنا، راپل، تله کابین، بازی‌های گروهی مانند طناب‌کشی، فوتبال، والیبال، تنیس، بدمینتون، اسب سواری و درشکه سواری و ...) بدون هیچگونه تفاوت جنسیتی ارائه می‌گردد. از این رو مطالعه جاری به منظور برنامه‌ریزی مبتنی بر اولویت‌های نیازهای دوره نوجوانی انجام شده و به بررسی و شناسایی نیازهای مختلف این دوره از تحول می‌پردازد و درصد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- ۱- مهم‌ترین نیازهای بهداشتی - جسمانی دانش‌آموزان دختر و پسر شرکت‌کننده در اردوهای تابستانی کدام است؟
- ۲- مهم‌ترین نیازهای عاطفی - روانی دانش‌آموزان دختر و پسر شرکت‌کننده در اردوهای تابستانی کدام است؟
- ۳- مهم‌ترین نیازهای آموزشی - تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر شرکت‌کننده در اردوهای تابستانی کدام است؟
- ۴- مهم‌ترین نیازهای فرهنگی - اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر شرکت‌کننده در اردوهای تابستانی کدام است؟
- ۵- مهم‌ترین نیازهای اخلاقی - مذهبی دانش‌آموزان دختر و پسر شرکت‌کننده در اردوهای تابستانی کدام است؟

۶- مهم‌ترین نیازهای آزمون‌دهی‌ها، در کل کدامند؟

۷- آیا تفاوت معنی‌داری بین گروه دختران با پسران در ابعاد مختلف نیازها وجود دارد؟

## پیشینه مطالعات اوقات فراغت در ایران

محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی در پرداختن به علایق و سرگرمی‌ها و کلاً نحوه گذراندن اوقات فراغت تأثیر عمده ای دارد. همچنین باید توجه نمود که علایق و سرگرمی‌های نوجوانان همیشه ثابت نبوده و همزمان با تغییرات اجتماعی، فرهنگی و فناوری، حداقل هر ده سال یک مرتبه تغییر می‌نماید. در ایران نیز این موضوع صادق می باشد.

اکبرزاده (۱۳۷۶: ۱۲۷) در پژوهشی در طی دهه ۷۱-۱۳۶۱ تأثیر متغیرهای جنسیت، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و حتی جنگ را در گذراندن اوقات فراغت نوجوانان را مورد بررسی قرار داد. یافته‌ها نشان می‌دهد متغیر جنسیت بر روی علایق و سرگرمی‌ها و نحوه گذراندن اوقات فراغت تأثیر می‌گذارد. دختران علاقه بیشتری به مطالعه دارند. این موضوع در سال‌های جنگ و پس از جنگ همچنان صادق بوده و مقایسه دختران و پسران از لحاظ صرف اوقات فراغت به مطالعه، و همچنین علاقه به مطالعه اختلاف معنی‌داری را نشان داده است. در مورد ورزش، و با توجه به نقش پر اهمیت آن در اوقات فراغت و بهداشت روانی نوجوانان، بررسی یافته‌ها نشان داد که به طور کلی پسران علاقه بیشتری به ورزش ابراز می‌دارند و اختلاف دو گروه دختران و پسران معنی‌دار می‌باشد. از لحاظ تماشای تلویزیون، نمی‌توان قضاوتی کلی در مورد تأثیر عامل جنسیت نمود، بلکه عوامل و شرایط دیگر نیز مؤثر می‌باشد به گونه‌ای که در سال‌های جنگ، پسران کمتر از دختران به تماشای تلویزیون می‌پرداخته‌اند و اختلاف آماری معنی‌دار بوده است در حالی که در سال‌های پس از جنگ، اختلاف معنی‌داری بین دو گروه دختران و پسران به دست نیامد. بر طبق تحقیقات متأخرتر میزان تماشای تلویزیون در اوقات فراغت، توسط نوجوانان پسر نیز افزایش یافته است.

از آنجا که افراد سرگرمی‌های خود را بر حسب فرهنگ، و امکانات اقتصادی - اجتماعی خود انتخاب می‌نمایند، عامل اقتصادی - اجتماعی، در نوع علایق و سرگرمی‌ها، و نحوه گذراندن اوقات فراغت نوجوانان مؤثر می‌باشد. در مورد مطالعه آزاد، مقایسه دختران شمال و جنوب شهر تهران، در سال‌های جنگ از لحاظ مطالعه آزاد اختلاف معنی‌داری را به نفع دختران شمال شهر نشان می‌دهد ولی در سال‌های پس از جنگ، میزان مطالعه در دختران شمال شهر کاهش یافته و در جنوب شهر تقریباً به همان نسبت باقی مانده است در نتیجه اختلاف آماری معنی‌داری به دست نیامد. مقایسه گروه پسران شمال و جنوب شهر تهران از لحاظ گذراندن اوقات فراغت به مطالعه آزاد، چه در سال‌های جنگ و چه در سال‌های پس از جنگ اختلاف آماری را نشان نداد. در مورد ورزش و با توجه به نقش پر اهمیت آن در اوقات فراغت نوجوانان، یافته‌های این

تحقیق نشان داد که عامل اقتصادی - اجتماعی از لحاظ جهت دادن علاقه به ورزش و همچنین پرداختن به ورزش در اوقات فراغت در گروه دختران تأثیر اساسی دارد. یعنی مقایسه دختران شمال و جنوب تهران در سال‌های جنگ و پس از جنگ از لحاظ علاقه به ورزش و پرداختن به ورزش اختلاف آماری معنی‌داری را به نفع دختران شمال شهر نشان می‌دهد در حالی که در مورد گروه پسران این اختلاف معنی‌دار نبود.

احمدی (۱۳۷۵: ۱۳۵) در پژوهشی تحت عنوان «نیازسنجی اوقات فراغت دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اراک» که بر روی ۴۱۴ نفر دانش‌آموز با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انجام شد، نتیجه گرفت که از بین انواع فعالیت‌های اوقات فراغت، دانش‌آموزان بیش از همه به ترتیب فعالیت‌های ورزشی، تفریحی و استفاده از وسایل سمعی و بصری را ترجیح می‌دادند. در بین فعالیت‌های ورزشی و در بین پسران، فوتبال و در بین دختران والیبال بیش از همه مورد پسند بوده است. تماشای تلویزیون در بین وسایل سمعی و بصری و میان فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی، زیارت اماکن متبرکه بیشترین علاقه دخترها و پسرها را به خود اختصاص داده است. بین علائق دختران و پسران در خصوص فعالیت‌ها و برنامه‌های مورد پسند برای اوقات فراغت در تمام زمینه‌ها، جز مطالعه منابع اطلاعاتی و استفاده و حضور برنامه‌های فرهنگی و مذهبی، تفاوت معناداری وجود داشته است. همچنین بین وضعیت موجود گذران اوقات فراغت و وضعیت مورد پسند دانش‌آموزان برای گذراندن اوقات فراغت در تمام زمینه‌ها، جز مطالعه منابع مطالعاتی تفاوت معناداری وجود دارد.

در پژوهشی از امجدیان (۱۳۷۸: ۱۲۰) با عنوان «بررسی نیازهای دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه شهر تهران در زمینه بهره‌گیری از اوقات فراغت» که با استفاده از روش توصیفی و در بین ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان و ۳۰ نفر از کارشناسان با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و با بهره‌گرفتن از پرسشنامه و تکنیک نیازسنجی «دلفی» انجام شده است، نتیجه گرفته شده است که:

۱- بین وضع موجود و وضع مطلوب فعالیت‌های ورزشی بیرون از منزل، ورزش‌های درون منزل فعالیت‌های فنی و حرفه‌ای تفاوت معنی‌داری وجود داشت ولیکن بین وضع موجود و وضع مطلوب فعالیت‌های مطالعاتی، استفاده از وسایل سمعی و بصری، برنامه‌های سیاسی و مذهبی، فعالیت‌های هنری و فعالیت‌های تفریحی تفاوت معنی‌داری وجود نداشت.

۲- بین نیازهای دانش‌آموزان مناطق شمال و جنوب تهران در فعالیت‌های ورزشی بیرون از منزل، برنامه‌های سیاسی مذهبی و فعالیت‌های تفریحی تفاوت‌ها معنی‌دار بود، در حالی که فعالیت‌های ورزشی

درون منزل، فعالیت‌های مطالعاتی، استفاده از وسایل سمعی و بصری، فعالیت‌های هنری و فعالیت‌های فنی و حرفه‌ای تفاوت معنی‌دار نبود.

۳- بیشترین موانع بهره‌گیری از اوقات فراغت از نظر کارشناسان به ترتیب اهمیت عبارت است از: عدم وجود برنامه‌ریزی در خانواده‌ها، ضعف اقتصادی آنها، عدم هماهنگی برنامه‌ها با خواست دانش‌آموزان، فقر فرهنگی خانواده‌ها، تأکید بر امور تحصیلی، حجیم بودن دروس، عدم توجه به نیازهای منطقه‌ای، عدم آشنایی دانش‌آموزان با اوقات فراغت، عدم تأثیر برنامه‌ها در زندگی و اشتغال به کار دانش‌آموزان. همچنین مهم‌ترین راه‌حل‌ها به ترتیب اهمیت عبارتند از: امکانات رایگان، برنامه‌ریزی و مدیریت، ترویج فرهنگ، توسعه فضاهای مناسب، محیط آرام، هماهنگی سازمان‌ها، کاستن از هزینه‌های اقتصادی، آموزش خانواده‌ها، بهره‌گیری از متخصصین و تأسیس سازمان اوقات فراغت.

همچنین در پژوهش دیگری که توسط عصاره و همکاران (۱۳۸۳: ۱۷۷) تحت عنوان «بررسی نیازهای آموزشی - تربیتی اولیاء و دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه کشور» در پژوهشکده خانواده انجام شده است، تفاوت معناداری بین نیازهای آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان در خرده فرهنگ‌های مختلف و همچنین بین والدین و فرزندان نشان داده است. مهم‌ترین نیازهای آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان در مقطع راهنمایی به ترتیب اولویت عبارتند از: اهمیت روابط گرم و صمیمی در بین اعضای خانواده، ضرورت رفتن به مدرسه، اهمیت اعتماد والدین به فرزندان، انجام فعالیت‌های ورزشی و جسمانی برای سلامت خود، نقش والدین در آموزش مسائل مربوط به بلوغ، ضرورت اهمیت والدین به وضعیت تحصیلی آنان، ضرورت احترام به یکدیگر و رعایت حقوق متقابل در خانواده، ضرورت انجام فرایض دینی، اهمیت استفاده والدین از تشویق در زمینه موفقیت تحصیلی آنان، نیاز به احساس امنیت در خانواده، پذیرش و مقبولیت در بین اعضای خانواده، نیاز دانش‌آموزان به آگاهی یافتن از اصول بهداشتی، نیاز نوجوان به آگاهی یافتن از اصول بهداشتی، نیاز نوجوان به حمایت والدین در مواقع بحرانی و مشکلات، ضرورت آشنایی نوجوان با قانونمندی و احترام به قانون و اجرای آن، ضرورت مشورت با والدین برای انتخاب دوست.

## چارچوب نظری و الگوی تحلیل

همانند سایر مفاهیم، در خصوص مفهوم «نیاز» توافق عمومی وجود ندارد. به عبارت دیگر، فهم از مفهوم نیاز تا حدود زیادی بستگی به برداشت ما در خصوص نیازها و اینکه آن را در چه جامعه یا حوزه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهیم، دارد. اصولاً هر تکنیک نیازسنجی بر تعریف خاصی از نیازها و قلمرو و حدود آن مبتنی است، از این رو ضرورت دارد که نظریات و عقاید مختلف در ارتباط با مفهوم نیاز و در نتیجه نیازسنجی مورد بررسی قرار گیرد.

روانشناسان نیازها را به دو دسته؛ نیازهای اولیه و نیازهای یادگرفته شده تقسیم می‌کنند. فیزیولوژیست‌ها به جنبه زیستی نیازها توجه دارند، اقتصاددانان نیز نیازهای مربوط به تقاضای مشتریان را مد نظر قرار می‌دهند. صرف نظر از افراد متخصص و حرفه‌ای، عامه مردم نیز برداشت متفاوتی از نیازها دارند. به طور کلی برداشت‌ها و تعاریف ارائه شده در خصوص نیازها را می‌توان به چهار دسته طبقه‌بندی نمود:

**– نیاز به عنوان فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب:** یکی از متداول‌ترین و مقبول‌ترین تعاریف از نیازها، تعریف پیشنهادی «گافمن»<sup>۱</sup> (۱۹۹۱)، به نقل از فتحی و اجارگاه، (۱۳۷۷: ۳۶) می‌باشد. به نظر «گافمن» نیاز به موقعیتی دلالت دارد که در آن وضعیت موجود یا حاضر با وضعیت مطلوب فاصله دارد. به زعم وی وضعیت مطلوب یا مورد نظر در برگزیده ایده‌آل‌ها، هنجارها، ترجیحات، انتظارات و ادراکات مختلف درباره آنچه که باید باشد، است. وضعیت مطلوب یا آنچه که ایده‌آل و ترجیحات را تشکیل می‌دهد، در واقع همان هدف‌ها هستند. زیرا بنا به تعریف، هدف عبارت است از بیان آنچه که باید باشد. با توجه به مفهوم فوق می‌توان نتیجه گرفت که نیازسنجی از این دیدگاه عبارت است از فرآیند:

الف) تعیین و تصریح هدف‌ها یا آنچه که باید باشد (وضعیت مطلوب)

ب) مشخص کردن و سنجش وضعیت موجود (فعلی)

ج) اندازه‌گیری دقیق میزان فاصله بین وضع مطلوب (هدف‌ها) و وضع موجود

این برداشت از نیاز و نیازسنجی به طریق دیگری نیز در ادبیات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی مورد توجه قرار گرفته است، مثلاً «والتن»<sup>۲</sup> (۱۹۶۹)، به نقل از فتحی و اجارگاه، (۱۳۷۵: ۲۵) در خصوص نیازها می‌گوید: «هنگامی از نیازهای شخص یا گروهی از اشخاص سخن می‌گوییم که:

1. Kaufman, R.A.

2. Walton, R

الف) افراد و گروه‌ها در حالت یا وضعیت مشخصی قرار گرفته باشند.

ب) وضعیت مورد نظر (A) با ارزش‌ها و آرمان‌های موجود در جامعه یا سازمان ناسازگار باشد.

ج) و سرانجام تغییر و دگرگونی در وضعیت (A) ضرورت یافته باشد.

اگرچه تعاریف عملیاتی فوق‌الذکر از نیاز در خصوص نوع تغییراتی که باید در وضعیت مورد نظر (A) صورت گیرد، رهنمودی به ما ارائه نمی‌کند، اما حداقل این ایده را به دنبال دارد که نیاز در واقع همان شرایط و الزاماتی است که در حال حاضر وجود ندارد و یا به صورت ناقص موجود است. از این رو باید اقداماتی را طراحی و به مرحله اجرا گذاشت که وضعیت موجود را به وضعیت مطلوب و ایده‌آل نزدیک نماید. پس این برداشت از نیاز، با تعریفی که گافمن از نیازها ارائه می‌کند، همخوانی و هماهنگی دارد.

همان‌طور که «برادشاو»<sup>۱</sup> (۱۹۷۲: ۳) خاطرنشان ساخته است، تعریف نیازسنجی به عنوان تعیین فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب، تعریف جامع و کاملی نیست. از نظر وی هنگامی که این تعریف را بپذیریم، اقدامات ما در فرآیند نیازسنجی به مشخص کردن وضع مطلوب (هدف‌ها)، عملیات جاری (وضع موجود)، و اندازه‌گیری فاصله میان این دو محدود خواهد شد. اما مسأله‌ای که در اینجا اهمیت می‌یابد آن است که هدف‌ها یا آنچه که باید باشد، از لحاظ اهمیت مساوی هستند؟ آیا نیازهای شناسایی شده از طریق این فرآیند، دارای ضرورت یکسانی هستند؟ بدیهی است که پاسخ سؤالات منفی است.

پس باید تعریف فوق از نیازسنجی را اصلاح کنیم. از این رو نیازسنجی عبارت از فرآیند تعیین اهداف، مشخص کردن وضع موجود، اندازه‌گیری نیازها و تعیین اولویت‌ها برای عمل است. این تعریف از نیازسنجی مسأله مهم اولویت‌بندی نیازها بر حسب درجه اهمیت آنها را مورد توجه قرار می‌دهد. اولویت‌بندی نیازها خصوصاً هنگامی اهمیت می‌یابد که در سازمان یا جامعه مورد نظر با مجموعه وسیع و متنوعی از نیازها و اهداف مواجه باشیم و در مقابل توانایی و امکانات در دسترس پاسخگوی تمام اهداف و نیازها نباشد. از این رو، به منظور حداکثر استفاده از منابع موجود در جهت تحقق ضروری‌ترین نیازها، اولویت‌بندی این امکان را به ما می‌دهد که بر برخی از نیازها و نه همه آنها تأکید ورزیم. تعریف نیاز به عنوان فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب زیربنای تکنیک‌های مختلف نیازسنجی از جمله الگوهای قیاسی، استقرایی، و سایر الگوهای بسط یافته مدل «گافمن» می‌باشد.



– نیاز به عنوان یک خواست<sup>۱</sup> یا ترجیح: در دیدگاه دوم نیاز عبارت است از خواست یا ترجیح، این برداشت از نیاز عموماً دارای کاربرد گسترده‌ای در حوزه نیازسنجی است. آنچه هسته اصلی در این نظریه را تشکیل می‌دهد آن است که نظریات و عقاید افراد و گروه‌ها در خصوص نیازها کانون اصلی نیازسنجی است و نه فاصله یا شکاف بین وضع مطلوب و وضع حاضر (سوارز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱: ۴۳۳).

اگرچه بیشتر صاحب‌نظران از این تعریف انتقاد می‌کنند اما عملاً بسیاری از تکنیک‌های نیازسنجی بر این تعریف از نیاز مبتنی هستند، به ویژه هنگامی که نظرات افراد عادی در مورد یک برنامه یا طرح عمومی نظرخواهی می‌گردد. برای نمونه، در صورتی که از متخصصان تعلیم و تربیت درباره اهداف و خط‌مشی‌های آموزش و پرورش نظرخواهی گردد و از نتایج حاصله به عنوان مبنای گزینش اهداف و تدوین سیاست‌های آتی سازمان آموزش و پرورش استفاده به عمل آید، نیاز به مفهوم خواست یا ترجیح مورد قبول گروه نیازسنجی است. از مهم‌ترین تکنیک‌هایی که بر این تعریف از نیاز مبتنی هستند می‌توان از تکنیک «دلفای، تل استار و فیش بول» نام برد. این تکنیک‌ها عموماً ایجاد توافق میان خواست‌ها و انتظارات گروهی از افراد را مد نظر قرار می‌دهند.

اصولاً دو انتقاد اساسی به این تعریف از نیاز و بالطبع فرآیند نیازسنجی وارد است: در این دیدگاه، نیازسنجی فرآیند جمع‌آوری و ایجاد توافق بین نظرات و ایده‌های گوناگون است، به این ترتیب انتقاد اول آن است که نظرات افراد از عینیت کافی برخوردار نیست. به عبارت روشن‌تر داده‌های حاصله یا نیازها و اهداف به دست آمده بیشتر ذهنی هستند تا عینی. ثانیاً نظر هر فرد یا گروهی از افراد درباره نیازها نهایتاً مبتنی بر برداشت وی در خصوص وضع مطلوب، وضع موجود و نوع و میزان فاصله میان این دو می‌باشد. با این حال، تعریف نیاز به عنوان یک خواست یا ترجیح بسیاری از تکنیک‌های نیازسنجی را در صحنه عمل متأثر می‌سازد.

– نیاز به عنوان یک عیب<sup>۳</sup> یا نقصان: سومین برداشت از نیازها، تعریف نیاز به عنوان یک نقصان، عیب و یا نوعی کمبود است. برخلاف دو تعریف قبلی از نیازها، این مفهوم کمتر در ادبیات مربوط به نیازسنجی مورد حمایت واقع شده است. از این دیدگاه، هنگامی که نوعی توانایی، مهارت، و یا نگرش وجود نداشته باشد، و این غیبت منجر به ایجاد ضرر یا خسران در عملکرد فردی و یا سازمانی گردد، نشانگر وجود

1. Want

2. Suarez, T.M.

3. Deficit

نیاز می‌باشد. یکی از حامیان این دیدگاه «اسکریون»<sup>۱</sup> (۱۹۷۵)، به نقل از فتحی و اجارگاه، (۱۳۷۵:۲۷) است. به زعم وی نیاز هنگامی مطرح می‌شود که در یک مورد خاص، سطح حداقل رضایت به دست نمی‌آید و یا نمی‌تواند بدست آید.

براساس این تعریف از نیاز، نیازسنجی عبارت است از فرآیند شناخت مسائل، مشکلات و معایب موجود و در نتیجه افزایش بازده عملکرد فرد، گروه یا سازمان مربوطه. از جمله مهم‌ترین تکنیک‌هایی که بر این تعریف از نیاز مبتنی هستند می‌توان از تکنیک «رویداد مهم یا بحرانی، تکنیک درخت خطا، تکنیک آزمون وظایف کلیدی و نیز تجزیه و تحلیل شغل» نام برد. این برداشت از نیازها، و توجه بیشتر بر مسائل و معایبی است که عملکرد مثبت مورد انتظار را خنثی می‌سازند.

**- برداشت ترکیبی:** چهارمین برداشت از نیازها، نوعی رویکرد ترکیبی است. از این دیدگاه موقعیت‌های مختلف، جامعه مورد نظر، نوع نیازها، و پارامترهای عدیده دیگر، برداشت‌ها را از نیازها و نیازسنجی شکل می‌دهند. به عبارت روشن‌تر آنچه که بین وضع موجود و وضع مطلوب قرار دارد، آنچه که ترجیحات، علائق و انتظارات افراد را شکل می‌دهد و سرانجام آنچه که بر عملکردهای مطلوب اثر منفی دارد، همگی نشانگر نیاز هستند. از این نقطه نظر، فرآیند نیازسنجی بر ترکیبی از تعاریف فوق مبتنی می‌باشد. به عبارت دیگر، الگوهای مورد استفاده برای نیازسنجی باید از فنون و روش‌های مختلف بهره بگیرند.

در مقاله حاضر چون از انواع الگوهای نیازسنجی مانند "هدف محور" بر اساس رویکردهای رشد و تحول، "مسأله محور" براساس نظر دانش‌آموزان و نیازهای بیان شده، و تکنیک دلفای در تنظیم پرسشنامه نیازسنجی بر اساس دیدگاه مشاوران، متخصصین و مربیان استفاده شده است، از این رو رویکردی ترکیبی دارد. این الگو عموماً دارای اعتبار و اهمیت بیشتری است زیرا نیازهای به دست آمده عمدتاً از ابعاد و جوانب گوناگون مورد بررسی و سنجش قرار گرفته‌اند.

### روشن‌شناسی

**الف) جامعه آماری -** جامعه آماری این مقاله را مجموع دختران و پسران دوره راهنمایی استان‌های مناطق محروم (کهگلویه و بویراحمد، خوزستان، کرمانشاه، کرمان، ایلام، ...) که در مجموعه‌های فرهنگی ورزشی امام خمینی (ره) واقع در لوانانات، آبعلی و جماران به منظور گذراندن اوقات فراغت خود شرکت

کرده بودند، تشکیل می‌دهد. نمونه‌گیری به شیوه تصادفی طبقه‌ای انجام شده است. از آنجا که دانش‌آموزان از خرده فرهنگ‌های متفاوتی چون عرب، ترک، لر، بلوچ، کرد، ترکمن و فارس بوده‌اند، از این رو در این پژوهش سعی شده است تقریباً ده درصد دانش‌آموزان از هر خرده فرهنگ را مورد بررسی قرار دهد. طبیعی است تعداد دانش‌آموزان در خرده فرهنگ‌های مختلف یکسان نبوده است. در کل ۳۰۰ آزمودنی در این پژوهش شرکت داشتند که ۱۵۰ نفر آنها را دختران و ۱۵۰ نفر را گروه پسران تشکیل می‌دادند.

**ب) تکنیک پژوهش -** برای تحقق اهداف مورد نظر این مقاله و تعیین نیازهای دانش‌آموزان شرکت‌کننده در اردوهای تابستانی، از پرسشنامه نیازسنجی استفاده شد. در این پرسشنامه سوالاتی در خصوص ویژگی‌های شخصی و خانوادگی و دو سؤال در ارتباط با سن بلوغ و ۵۵ گویه (۵۰ سؤال بسته و ۵ سؤال باز) در مورد نیازهای نوجوان از دانش‌آموزان تکمیل شد. ابعاد نیازها عبارت بودند از: بعد جسمی - بهداشتی (با ۱۲ سؤال)، بعد خانوادگی (با ۱۱ سؤال) بعد تحصیلی - شغلی (با ۱۶ سؤال)، بعد مذهبی - اخلاقی (با ۸ سؤال) و بعد فرهنگی - اجتماعی (با ۸ سؤال).

در خصوص اعتبار این پرسشنامه می‌توان گفت که تدوین آن با توجه به نظریه‌های معتبر روانشناسی رشد در ابعاد مختلف صورت گرفت و علاوه بر این از نظرات شش متخصص و کارشناس در ارتباط با اعتبار محتوایی استفاده شد. ضریب پایایی بین داوران با استفاده از ضریب توافق کندال  $0/71$  بوده است که به لحاظ آماری چشمگیر است. همچنین ضریب همسانی محاسبه شده (آلفای کرونباخ) در مطالعه مقدماتی  $0/91$  بوده است که حاکی از پایایی درونی قابل توجه این پرسشنامه است.

## نیازهای دانش‌آموزان در ابعاد مختلف

### ۱- نیازهای بهداشتی - جسمانی

مهم‌ترین نیازهای بهداشتی و جسمانی نوجوانان عبارتند از: توجه والدین به تغذیه دانش‌آموزان در مدرسه، انجام فعالیت‌های ورزشی و جسمی، آگاهی از اصول بهداشتی، نقش والدین در آموزش مسایل مربوط به بلوغ، داشتن اطلاعات مربوط به بلوغ و تغییرات جسمی و جنسی و روانی، توجه والدین به امر تغذیه و بهداشت نوجوان، نقش مدرسه در آموزش مسایل مربوط به بلوغ، نقش دوستان در آموزش مسایل مربوط به بلوغ، داشتن ترس و اضطراب در هنگام بلوغ، مشکل پرخوری یا کم‌اشتهایی، مشکلات مربوط به خواب.

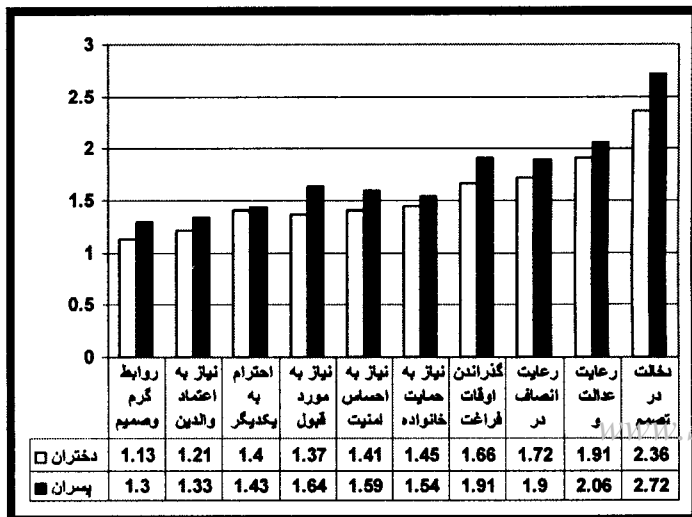
با توجه به اولویت‌های نیازهای بهداشتی - جسمانی در گروه دختران و پسران، تفاوت‌ها و در عین حال شباهت‌هایی مشاهده می‌گردد. در گروه پسران انجام فعالیت‌های ورزشی و جسمانی اساسی‌تر از گروه دختران برآورد شده است و یا ترس و اضطراب هنگام بلوغ در گروه دختران جدی‌تر است. آنچه در دو گروه قابل توجه است این است که هر دو گروه ضرورت کسب اطلاعات و یا آموزش مسائل مربوط به بلوغ را در وهله اول از طریق والدین، سپس مدرسه و در نهایت از طریق دوستان می‌دانند.

همچنین به منظور مقایسه میانگین‌های نیازها با حد متوسط به بالا، از آزمون آماری مقایسه میانگین‌های تک نمونه‌ای (ارزش  $t=3$ ) استفاده نموده‌ایم. نتایج نشان می‌دهد تفاوت همه میانگین‌ها به جز نقش دوستان در آموزش مسائل مربوط به بلوغ معنی‌دار است. بنابراین پسران در خصوص مسائل بلوغ کمتر از دختران از دوستان خود کسب اطلاعات می‌کنند. در مورد سایر نیازها نیز می‌توان گفت میزان نیازهای مطروحه به طور معنی‌داری از حد متوسط بالاتر است.

## ۲- نیازهای عاطفی - روانی

همان‌طور که در نمودار (۱) ملاحظه می‌گردد اولویت‌های نیازهای عاطفی - روانی آزمودنی‌ها به تفکیک جنسیت قابل مشاهده است. هر چه میانگین نیازها به رتبه یک نزدیک‌تر باشد، آن نیاز ضروری‌تر محسوب می‌گردد. به طور کلی تمامی نیازهای عاطفی - روانی در گروه دختران نسبت به گروه پسران از اولویت بیشتری برخوردار است به عبارت دیگر دختران نسبت به پسران عاطفی‌ترند.

نمودار (۱) - نیازهای عاطفی - روانی کل آزمودنی‌ها براساس جنسیت



نیازهای عاطفی - روانی نوجوانان عبارتند از: روابط گرم و صمیمی در بین اعضای خانواده، نیاز به اعتماد والدین، نیاز به مورد قبول واقع شدن در بین اعضای خانواده، احترام به یکدیگر و رعایت حقوق متقابل در بین اعضای خانواده، نیاز به احساس امنیت و آرامش در خانواده، نیاز به حمایت خانواده در مواقع بحرانی و مشکلات، گذراندن اوقات فراغت در کنار اعضای خانواده، رعایت انصاف در تقسیم وظایف در خانواده، رعایت عدالت و خودداری از تبعیض و نابرابری در خانواده و سرانجام دخالت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده.

### ۳- نیازهای آموزشی - تحصیلی

نیازهای آموزشی و تحصیلی نوجوانان عبارتند از: رفتن به مدرسه، مشورت با والدین در انتخاب رشته تحصیلی، اهمیت دادن والدین به وضع تحصیلی دانش‌آموز، مشورت با والدین در جهت رفع مشکلات تحصیلی، استفاده والدین از تشویق در زمینه موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموز، نظارت والدین در انجام تکالیف درسی، شرکت دانش‌آموز در فعالیتهای فوق برنامه، ساعات درسی مدرسه برای یادگیری مطالب، میزان کاربردی بودن محتوای کتب درسی در زندگی فردی و اجتماعی آشنا شدن با حرفه‌ها و مشاغل متعدد از طریق مدرسه، مطالعه کتاب‌های غیر درسی، توجه به مشکل نحوه ادامه تحصیل با توجه به فرهنگ دانش‌آموز، داشتن ترس و اضطراب در هنگام امتحان و استفاده والدین از تنبیه در مواقع شکست‌های تحصیلی دانش‌آموز.

به طور کلی ضرورت نیازهای مطرح شده به جز در موارد داشتن ترس و اضطراب در هنگام امتحان، استفاده والدین از تنبیه در مواقع شکست‌های تحصیلی دانش‌آموز، مشکل نحوه ادامه تحصیل با توجه به فرهنگ دانش‌آموز که در گروه دختران بیشتر از گروه پسران احساس می‌گردد، در سایر موارد تفاوت معناداری مشاهده نشده است.

### ۴- نیازهای فرهنگی - اجتماعی

اولویت این نیازها در هر دو گروه عبارتند از: آشنایی نوجوان با قانونمندی و احترام به قانون و اجرای آن، احترام به قوانین در بازی‌ها یا ورزش‌ها و فعالیت‌های جمعی، آشنایی دختران و پسران قبل از ازدواج، آشنایی با قانون اساسی کشور، دید و بازدیدهای خانوادگی، آگاهی در زمینه سوابق فرهنگی و تاریخی کشور و مشورت با والدین برای انتخاب دوست. نتایج حاصل از آزمون t برای مقایسه میانگین‌های مستقل، تفاوت معناداری را در این بخش از نیازها بین دختران و پسران نوجوان نشان نداده است.

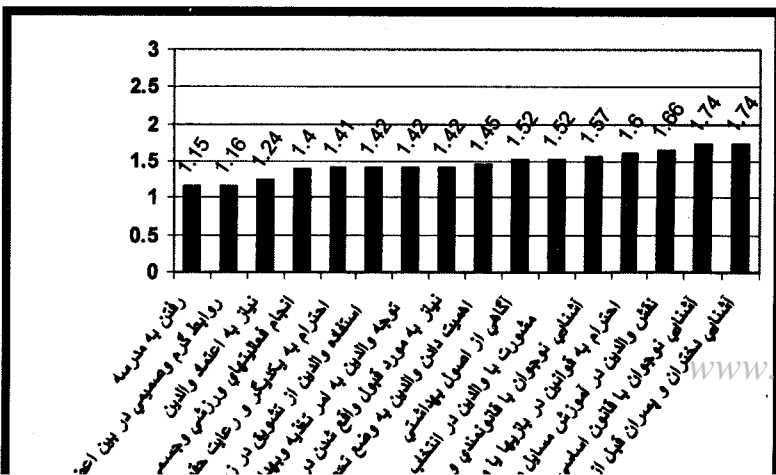
۵- نیازهای اخلاقی - مذهبی

نیازهای اخلاقی - مذهبی در هر دو گروه عبارتند از: انجام فرایض دینی، نقش والدین در آموزش مسایل دینی، وجود الگوی عملی دین و اخلاق در محیط خانواده، اهمیت حضور دانش‌آموز در اماکن مقدس به همراه والدین، هماهنگی اعتقادات مذهبی والدین با میزان عمل آنها به اعتقادات، وجود الگوی عملی دین و اخلاق در محیط جامعه، نقش اعتقادات مذهبی و میزان التزام افراد در انتخاب دوست. ترتیب اولویت‌های نیازهای مذهبی در دو گروه مشابه است با این تفاوت که اوزان آنها کمی متفاوت است و عمدتاً دختران ضرورت این گونه نیازها را بیشتر احساس می‌کنند.

۶- نیازهای آزمودنی‌ها در کل

همانطور که در نمودار شماره ۲ ملاحظه می‌گردد، اولویت‌های نیازهای آزمودنی‌ها در کل عبارتند از: رفتن به مدرسه، روابط گرم و صمیمی در بین اعضای خانواده، نیاز به اعتماد والدین، انجام فعالیت‌های ورزشی و جسمی، احترام به یکدیگر و رعایت حقوق متقابل در بین اعضای خانواده، استفاده والدین از تشویق در زمینه موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموز، توجه والدین به امر تغذیه و بهداشت نوجوان، مورد قبول واقع شدن در بین اعضای خانواده، اهمیت دادن والدین به وضع تحصیلی دانش‌آموز، آگاهی از اصول بهداشتی، مشورت با والدین در انتخاب رشته تحصیلی، آشنایی با قانونمندی و احترام به قانون و اجرای آن، احترام به قوانین در بازی‌ها یا ورزش‌ها و فعالیت‌های جمعی، نقش والدین در آموزش مسایل مربوط به بلوغ، آشنایی نوجوان با قانون اساسی کشور، آشنایی دختران و پسران قبل از ازدواج.

نمودار (۲) اولویت‌های نیازهای مختلف آزمودنی‌ها



مقایسه نیازهای نوجوانان دختر و پسر ۱۷۳

به منظور بررسی تفاوت‌های میانگین‌های ابعاد مختلف نیازها در دو گروه دختران و پسران از آزمون آماری t مستقل برای بررسی تفاوت میانگین‌ها استفاده شده است. جدول زیر نتایج حاصل از این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول (۱) نتایج حاصل از آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین‌های ابعاد مختلف نیازها به تفکیک جنسیت

t-test for Equality of Means							وضعیت واریانس‌ها	نیازها
فاصله اطمینان تفاوت‌ها 95%		خطای انحراف معیار	تفاوت میانگین‌ها	سطح معنی داری ( دو دامنه )	درجات آزادی	t		
حد بالا	حد پایین							
-0.098	-0.240	.036	-.17	.000	8364	-4.662	فرض برابری واریانس‌ها	نیازهای بهداشتی - جسمانی
-0.097	-0.240	.036	-.17	.000	2473.923	-4.638	فرض نابرابری واریانس‌ها	
-0.123	-0.224	.026	-.17	.000	7792	-6.742	فرض برابری واریانس‌ها	نیازهای روانی - عاطفی
-0.120	-0.226	.027	-.17	.000	2302.401	-6.431	فرض نابرابری واریانس‌ها	
-0.023	-0.131	.028	-.08	.005	11700	-2.801	فرض برابری واریانس‌ها	نیازهای تحصیلی
-0.025	-0.130	.027	-.08	.004	3788.141	-2.875	فرض نابرابری واریانس‌ها	
-0.008	-0.113	.027	-.06	.023	5456	-2.272	فرض برابری واریانس‌ها	نیازهای دینی - مذهبی
-0.007	-0.114	.027	-.06	.026	1644.051	-2.221	فرض نابرابری واریانس‌ها	
.033	-0.101	.034	-.03	.320	5449	-.994	فرض برابری واریانس‌ها	نیازهای فرهنگی - اجتماعی
.030	-0.098	.033	-.03	.294	1799.040	-1.049	فرض نابرابری واریانس‌ها	

همان طور که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد نتایج حاصل از آزمون t مستقل تفاوت‌های معنی‌داری را بین میانگین‌های ابعاد مختلف نیازها در بین گروه دختران و پسران به جز در مورد نیازهای فرهنگی و اجتماعی نشان می‌دهند و این تفاوت به معنای ضرورت بیشتر این نیازها در گروه دختران است.

### بحث در یافته‌ها

در پژوهش حاضر با توجه به اولویت‌های به دست آمده در بخش نیازهای بهداشتی - جسمانی به تفکیک جنسیت، تفاوت‌ها و در عین حال شباهت‌هایی مشاهده می‌گردد. پسران نیاز به فعالیت‌های ورزشی و جسمانی را بیش از دختران احساس می‌کنند. بررسی یافته‌های پیشین نیز این نتایج را تأیید می‌کند. اکبرزاده (۱۳۷۶: ۱۲۷) در پژوهش خود ابراز می‌دارد که به طور کلی پسران علاقه بیشتری به ورزش ابراز می‌دارند و اختلاف دو گروه دختران و پسران نیز معنی‌دار می‌باشد. همچنین یافته‌های این پژوهشگر نشان داده است که عامل اقتصادی - اجتماعی از لحاظ جهت دادن علاقه به ورزش و همچنین پرداختن به ورزش در اوقات فراغت در گروه دختران تأثیر اساسی دارد. مقایسه دختران شمال و جنوب تهران در سال‌های جنگ و پس از جنگ از لحاظ علاقه به ورزش و پرداختن به ورزش اختلاف آماری معنی‌داری را به نفع دختران شمال شهر نشان می‌دهد در حالی که در مورد گروه پسران این اختلاف معنی‌دار نبود. از این رو متغیر محرومیت در احساس نیاز دختران به ورزش اثرگذارتر از پسران است و البته این مسأله به هیچ وجه به معنای عدم نیاز واقعی آنان به داشتن تحرک جسمانی نمی‌باشد.

تحقیقات پیشین نیز معنی‌داری تفاوت‌های نیازها را در خرده فرهنگ‌ها از یک طرف و از زاویه ارزیابی مشاوران، اولیاء دانش‌آموزان و خود دانش‌آموزان از طرف دیگر نشان می‌دهد. نتایج پژوهش عصاره و همکاران (۱۳۸۳: ۱۶۶) نشان می‌دهد که ارزیابی والدین از نیازهای فرزندان خود در مقطع راهنمایی در خرده فرهنگ‌های مختلف به لحاظ نوع نیازها عمدتاً مشابه بوده ولی به لحاظ رتبه و تقدم با یکدیگر متفاوت می‌باشند. مثلاً در سطح کشوری والدین اولین نیاز در مقطع راهنمایی را آشنایی فرزندان‌شان با انواع آسیب‌ها و مشکلات و انحرافات اجتماعی می‌دانند، در حالی که از نه خرده فرهنگ، چهار خرده فرهنگ (تهران، لرستان، گلستان، و گیلان) آن را به عنوان اولویت اول و سه خرده فرهنگ (آذربایجان غربی، فارس و کردستان) به عنوان اولویت دوم و خرده فرهنگ‌های سیستان و بلوچستان و خوزستان نیز آن را به عنوان اولویت‌های چهارم و هفتم قلمداد نموده‌اند. همچنین از نگاه خود دانش‌آموزان نیاز به فعالیت‌های ورزشی و



تحركات جسمانی<sup>۲</sup> در اولویت چهارم قرار گرفته است در حالی که در ارزیابی والدین آنها حتی تا اولویت پانزدهم نیز مطرح نشده است.

در پژوهش احمدی (۱۳۷۵: ۱۳۵) نیز بین علائق دختران و پسران در خصوص فعالیت‌ها و برنامه‌های مورد پسند برای اوقات فراغت در تمام زمینه‌ها، جز مطالعه منابع اطلاعاتی و استفاده و حضور برنامه‌های فرهنگی و مذهبی، تفاوت معناداری گزارش شده است. در این منبع همچنین اشاره شده است که در بین فعالیت‌های ورزشی در بین پسران، فوتبال و در بین دختران والیبال بیش از همه مورد پسند بوده است. در مجتمع‌های فرهنگی - ورزشی تحت پوشش بنیاد مستضعفان نیز علیرغم یکسان بودن برنامه‌های تفریحی - ورزشی برای نوجوانان مذکر و مؤنث، نتایج نشان می‌دهد استقبال دختران نوجوان از برخی برنامه‌های اردویی بیشتر از نوجوانان پسر است و بالعکس. به عنوان مثال دختران از ورزش‌هایی مانند شنا، راپل و اسب سواری استقبال چندانی نمی‌کردند ولی از کلاس‌های صنایع دستی و سفالگری استقبال بیشتری به عمل می‌آوردند.

از دیگر یافته‌های این پژوهش تفاوت معنادار نیازهای دختران و پسران در دوران بلوغ است. نتایج نشان می‌دهد ترس و اضطراب هنگام بلوغ در گروه دختران بیشتر از پسران است و همچنین دختران بیشتر از پسران اطلاعات مربوط به بلوغ خود را از دوستان خود کسب می‌کنند. نتایج تحقیقات روان‌شناختی نیز نشان می‌دهد که ترس و اضطراب هنگام بلوغ در گروه دختران جدی‌تر است. بحران بلوغ و هویت در این سنین، کنش‌وری نوجوان را در قلمرو جسمانی و خانوادگی، روانشناختی و اجتماعی، دچار اختلال می‌کند. این بحران در دوره راهنمایی تحصیلی برای دختران به مراتب بیشتر است. اساساً سن بلوغ در دختران و پسران متفاوت است. قبل از بلوغ اعمال بیولوژیکی در هر دو جنس (پسر و دختر) یکسان است و ساختمان جسمی آنها جز در مورد اختلافات اولیه جنسی، شبیه یکدیگرند. با شدت یافتن رشد بدنی، فعالیت غدد جنسی و آدرنال (فوق کلیوی) زیادتر می‌شود. بلوغ زودرس و دیررس نیز در پسران و دختران یکسان تلقی نمی‌شود. دختران زودرس، در سازگاری خود با مشکلات جدی مواجه می‌شوند در حالی که در مورد پسران وضعیت کاملاً متفاوت است. پسران با بلوغ زودرس احساس شخصیت بیشتری می‌کنند. اجتماع یک پسر زودرس را بهتر می‌پذیرد و برای والدین هم قابل قبول است. پسران دیررس احساس حقارت می‌کنند و در فعالیت‌های جمعی شرکت نمی‌کنند و غالباً مورد بازخواست و سرزنش والدین قرار می‌گیرند (احمدی، ۱۳۶۹: ۱۱۴).

شرایط فرهنگی و اقتصادی مناطق نیز می‌تواند تأثیر مضاعفی در این گونه تنش‌ها بگذارد. به عنوان مثال در برخی استان‌های کشور مانند سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کردستان و ... دختران در سنین اولیه نوجوانی با مسائلی چون ازدواج‌های زود هنگام و متعاقب آن مادر شدن بدون آشنایی با نقش‌های همسری و یا مادری مواجهند و این در حالی است که در بسیاری از موارد حتی با بهداشت دوران بلوغ هم آشنایی نداشته و یا آشنایی مختصری دارند. همچنین بسیاری از دختران در مناطق محروم کشور متأسفانه از فرصت‌های تحصیلی مشابه پسران در آن مناطق برخوردار نیستند، از این‌رو آموزش مسائل بهداشتی مربوط به دوران بلوغ و یا آموزش مهارت‌های زندگی به دختران باید در سنین پایین‌تری در مدارس آغاز شده و از طریق مراکز بهداشتی تداوم یابد. آنچه در دو گروه قابل توجه است این است که هر دو گروه ضرورت کسب اطلاعات و یا آموزش مسائل مربوط به بلوغ را در وهله اول از طریق والدین، سپس مدرسه و در نهایت از طریق دوستان می‌دانند.

همچنین یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد تمامی نیازهای عاطفی - روانی در گروه دختران نسبت به گروه پسران به طور معناداری از اولویت بیشتری برخوردار است، به عبارت دیگر دختران نسبت به پسران عاطفی‌ترند. برخی تحقیقات اخیر در داخل و خارج از کشور نیز معناداری تفاوت هوش عاطفی را با توجه به جنسیت تأیید می‌نمایند. هوش عاطفی<sup>۱</sup> توانایی درک، توصیف، دریافت و کنترل هیجان‌هاست. هر شخصی با برخورداری از میزانی از هوش هیجانی در مواجهه با وقایع مثبت یا منفی زندگی به موضع‌گیری پرداخته و به سازش با آنها می‌پردازد (اکبرزاده، ۱۳۸۳: ۱۰۵). حکیم جوادی (۱۳۸۵: ۱۵۸) در رساله دکتری خود تحت عنوان «بررسی رابطه کیفیت دلبستگی و هوش هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی» به برتری هوش هیجانی در دختران اشاره کرده و این مسئله را عامل مؤثری در گرایش‌های اجتماعی و دوست‌یابی آنان می‌داند. از این رو عاطفی‌تر بودن دختران می‌تواند منجر به افزایش هوش عاطفی و در نتیجه مهارت بیشتر آنان در روابط بین فردی گردد. این برتری بعدها به شکل مقاومت مادرانه در عرصه زندگی نمایان می‌شود.

کریکورین<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) رابطه بین هوش هیجانی، انواع دلبستگی و تفاوت‌های جنسی را مورد بررسی قرار داده است. یافته عمده این تحقیق آن بود که بین نوع دلبستگی و زیر مجموعه‌های هوش هیجانی و تأثیر جنس بر هوش هیجانی ارتباطاتی دیده می‌شود. برادبری و همکارش لک<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) نیز در پژوهشی تحت

1. Emotional intelligence

2. Kirkorian, M

3. Bradberry, T. and Lac, D. Su.

عنوان "زنان هوشمندترند" با استفاده از آزمون هوش هیجانی دانیل گلمن، نتیجه گرفتند دختران قابلیت خود بیانگری<sup>۱</sup> بیشتری دارند و بهتر از پسران می‌توانند احساسات خود را بروز دهند. همچنین در تعاملات بین فردی توان همدلی و همدردی بالاتری از خود نشان می‌دهند و بیشتر از پسران قادرند منابع عاطفی و هیجانی را دریابند.

در بخش نیازهای آموزشی و تحصیلی، نتایج پژوهش حاضر بیانگر تفاوت معنادار دختران و پسران در سه مورد "داشتن ترس و اضطراب در هنگام امتحان"، "استفاده والدین از تنبیه در مواقع شکست‌های تحصیلی" و "مشکل ادامه تحصیل" به عنوان موانع تحصیلی و آموزشی بوده است و در هر سه مورد دختران ضرورت رفع این موانع را بیشتر از پسران ارزیابی نموده‌اند. همانطور که ملاحظه می‌شود، دختران نوجوان در مناطق محروم کشورمان، هنوز به دلیل نابرابری فرصت‌های آموزشی از یک طرف و عدم تطابق برنامه‌های آموزشی با نیازهای آنان از سوی دیگر دچار بحران‌های تحصیلی و آموزشی هستند. بررسی آرزوهای نوجوانان در یک فاصله زمانی پانزده ساله نیز بیانگر تحول اساسی دیدگاه دختران در نیازهای آموزشی و تحصیلی آنان است. لیدز (۱۹۶۸-۱۹۸۳ به نقل از اکبرزاده، ۱۳۷۶: ۱۱۵) در پژوهش خود که آرزوهای نوجوانان را به تفکیک جنسیت بررسی نموده است، تفاوت‌های بارزی در آرزوهای نوجوانان دختر مشاهده نموده است. دختران قبلاً آرزوهای اصلی خود را در انتخاب همسر آینده خود و تشکیل زندگی خانوادگی ابراز می‌کردند ولی باگذشت زمان مسأله ادامه تحصیل و شغل آرزوی اصلی آنان شده است. اصولاً آموزش صحیح می‌تواند منجر به انتخاب شیوه‌های مناسب زندگی و اعتقاد فرد به اثربخشی بیشتر در حیات جمعی گردد.

همچنین نتایج پژوهش حاضر تفاوت معنی‌داری را بین میانگین‌های ابعاد مختلف نیازها در بین گروه نوجوانان دختر و پسر در مورد نیازهای مذهبی، فرهنگی و اجتماعی نشان نمی‌دهد. بنابراین اولویت‌های این نیازها در دو گروه مشابه است با این تفاوت که اوزان آنها کمی با هم متفاوتند و عمدتاً دختران ضرورت این گونه نیازها را بیشتر احساس می‌کنند. احمدی (۱۳۷۵: ۱۳۵) نیز در پژوهش خود بین علائق دختران و پسران در خصوص فعالیت‌ها و برنامه‌های مورد پسند برای اوقات فراغت در زمینه‌های مطالعه منابع اطلاعاتی و استفاده و حضور در برنامه‌های فرهنگی و مذهبی، تفاوت معناداری را مشاهده نکرده است.

### پیشنهادها

- علی‌رغم آنکه پژوهش‌ها از فقر حرکتی دختران دانش‌آموز حکایت می‌کنند، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دختران در قیاس با پسران تمایل کمتری به ورزش دارند، از این رو برنامه‌ریزان می‌باید با شناخت علائق نوجوانان دختر و ایجاد محیط‌هایی که تمایل بیشتری در ایشان ایجاد نماید رغبت دختران را به ورزش افزایش دهند. نوع ورزش نیز در این زمینه حائز اهمیت است.

- نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد بحران بلوغ و اضطراب‌های ناشی از آن در گروه دختران بیشتر از پسران است و دختران نیازهای اطلاعاتی خود را در این مورد عمدتاً از دوستان خود کسب می‌کنند. از این رو پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزش بهداشت به منظور طرح مباحث بهداشت فردی و بهداشت بلوغ جنسی و قاعدگی تشکیل شود به گونه‌ای که از یکسو تغییرات جسمانی و هورمونی این دوران را به زبانی ساده بیان کند و از سوی دیگر مسائلی چون اهمیت نوع تغذیه و پیشگیری از فقر آهن در این دوران، شیوه‌های پیشگیری از برخی بیماری‌ها (مانند هیپاتیت و ایدز و ...) را به همراه ارائه بروشورهای رنگی به دانش‌آموزان آموزش دهد. این گونه آموزش‌ها می‌تواند زمینه‌های بروز اضطراب و بحران بلوغ را کاهش دهد.

- تشکیل کارگاه‌های آموزش مهارت‌های بین فردی و اجتماعی (آموزش مهارت‌های جرأت‌ورزی و ابراز وجود، آموزش کنترل رفتارهای تکانشی و مدیریت استرس، خودشناسی و ...) برای هر دو گروه به شیوه آموزش فعال (یادگیری مشارکتی، بازی‌های تربیتی، بارش فکری، ایفای نقش، بحث و مناظره، کار در گروه‌های کوچک، مدل افزایش آگاهی، نمایش، پرسش و پاسخ آموزش مستقیم - عملی و مسئولیت‌های اردویی) می‌تواند ضمن ارضاء نیازهای عاطفی، روانی و اجتماعی نوجوانان، سطح شکوفایی این گونه نیازها را نیز در هر دو گروه ارتقاء دهد.

- در این گونه اردوها که به طور همزمان دانش‌آموزان از نقاط مختلف کشورمان با خرده فرهنگ‌های متعددی مواجه می‌شوند، می‌تواند زمینه‌شناسی بیشتر نوجوانان را با آداب و رسوم خرده فرهنگ‌های دیگر (نوع پوشش و لباس محلی، غذاها و شیرینی‌جات، موسیقی‌های محلی و ...) به وجود آورد. از این رو پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش سطح رشد شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان نوجوان مناطق محروم، که از امکانات پایین‌تری به لحاظ سفر کردن به نقاط مختلف کشور برخوردارند، نمایشگاهی از همه خرده فرهنگ‌ها به همراه اجرای سرودهای محلی آنان در برنامه‌های افتتاحیه، اختتامیه و بین‌هفتگی در فضای مجتمع‌های

فرهنگی - ورزشی اردوها تشکیل شود. این امر ضمن ایجاد تعاملات بیشتر فرهنگی موجبات تثبیت هویت ملی نوجوانان را نیز به وجود می‌آورد.

### منابع

- احمدی، محمد (۱۳۷۵) *نیازسنجی اوقات فراغت دانش آموزان دوره متوسطه شهر اراک* (طرح پژوهشی)، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی.
- احمدی، سیداحمد (۱۳۶۹) *روانشناسی نوجوانان و جوانان*، تهران: مشعل.
- اکبرزاده، نسوین (۱۳۸۳) *هوش هیجانی، دیدگاه سالوی و دیگران*، تهران: فارابی.
- (۱۳۷۶) *گذر از نوجوانی به پیری*، تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- امجدیان، کیومرث (۱۳۷۸) بررسی نیازهای دانش آموزان پسر دوره متوسطه شهر تهران در زمینه بهره‌گیری از اوقات فراغت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- حکیم جوادی، منصور و اژه‌ای، جواد (۱۳۸۳) بررسی رابطه کیفیت دلبستگی و هوش هیجانی در دانش آموزان تیز هوش و عادی، *نشریه روانشناسی*، س ۸، ش ۲، ص ۱۷۲-۱۵۸.
- عصاره، علیرضا و نصری، صادق و دیگران (۱۳۸۳) بررسی نیازهای آموزشی - تربیتی اولیاء دانش آموزان مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه کشور (طرح تحقیق). انجمن اولیا و مربیان، پژوهشکده خانواده.
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۷۵) *نیازسنجی در برنامه ریزی آموزشی و درسی*. تهران: انتشارات اداره کل تربیت معلم و آموزش نیروی انسانی.
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۷۷) *طراحی الگوی نیازسنجی در برنامه درسی*، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

Bradshaw, J. (1967) "The Concept of Social Needs T in Quality" *Journal of Social Services*. No 3, New Society.

Bradberry, T. and Lac, D. Su. (2006) "Women Feel Smarter". [www.Talentsmart.com](http://www.Talentsmart.com)

Horrocks, John & Mussen (1973) *Developmental Trends in Wishes, Confidence and the sense of Personal from Childhood to Midle Maturity*. *The Journal of Psychology*.

Kirkorian, M (2003) "Emotional Intelligence in Relation to Attachment Type". *Dissertation Abstracts International*. 62 (11-B). 5380.

Suarez, T. M. (1991) *Need Assessment Studies*. *International Encyclopedia of Curriculum*. Pergamon Press. P 433-435.

*Archive of SID*